

نقش اقتصادی تجار و تجارت‌خانه‌های زرتشتیان در دوره قاجار

مسعود دادبخش^۱

تهمینه رئیس‌السادات^۲

چکیده

دوره قاجار به دلیل وقوع انقلاب مشروطه و تشکیل مجلس شورای ملی از منظر سیاسی و اجتماعی جزو دوره‌های مهم تاریخ ایران به شمار می‌رود. در سال‌های آغازین این حکومت، زرتشتیان از وضعیت معیشتی چندان مناسبی برخوردار نبودند. اما از اواسط عهد ناصری به دلیل ایجاد ارتباط با جامعه پرسیان هند نقش آنان در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور پررنگ‌تر از پیش گردید که این اتفاق سرانجام منتج به نقش‌آفرینی آنان در حوادث مربوط به انقلاب مشروطه شد. این نوشتار بر آن است تا با تکیه بر منابع دست اول و با رویکردی توصیفی-تحلیلی، به بررسی نقش اقتصادی تجار و تجارت‌خانه‌های زرتشتیان در دوره قاجار بپردازد و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی آنها را در آن زمان واکاوی کند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تجار و تجارت‌خانه‌های زرتشتیان از اواسط دوره قاجار، جایگاه تجاری خود را به تدریج بهبود بخشیدند و به مرور زمان افزون بر تجارت، فعالیت‌های خود را در زمینه صرافی و زمین‌داری نیز گسترش دادند. مجموع این عوامل باعث رشد تدریجی جایگاه سیاسی و اجتماعی آنان گردید.

کلید واژگان: دوره قاجار، انقلاب مشروطه، زرتشتیان ایران، تجار زرتشتی، تجارت‌خانه‌های

زرتشتیان، پرسیان هند.

۱. دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام. مدرس دانشگاه علمی کاربردی. نویسنده مسئول.

dadbakhsh.masoud@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام. مدرس دانشگاه فردوسی مشهد. ta.raecessadat@gmail.com

مقدمه

زرتشتیان ایران در دهه‌های آغازین حکومت قاجار از وضعیت معیشتی چندان مناسبی برخوردار نبودند. آنان در آن روزها غالباً تحت فشارهای شدید اجتماعی قرار داشتند و این امر موجب عقب‌ماندگی اقتصادی و فرهنگی ایشان شده بود. اما در سوی دیگر همکیشان آنان در هند (پارسیان) توانسته بودند با ایجاد ارتباط با حکومت انگلستان وضعیت خود را بهبود ببخشند و در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به پیشرفت‌های بزرگی دست پیدا کنند. این پیشرفت‌ها باعث شد تا آنان بیش از پیش متوجه وضعیت همکیشان خود در ایران شوند و به تلاش برای بهبود وضعیت آنان پردازند. پارسیان هند در دوره حکومت ناصرالدین شاه قاجار نمایندگانی را به ایران اعزام کردند و به تدریج توانستند ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه زرتشتیان ایران را دگرگون کنند. حضور این نمایندگان در ایران و گسترش روابط تجاری آنان با بنادر جنوبی کشور به مرور زمان باعث رونق گرفتن تجارت در میان برخی از زرتشتیان ایران شد و تجارت‌خانه‌هایی را در شهرهای مختلف کشور تأسیس کردند. تجارت‌خانه‌های زرتشتیان در این دوره نقش بسیار مهمی را در حیات اقتصادی جامعه ایران ایفا کردند و این امر موجب شد تا تجار برجسته این تجارت‌خانه‌ها در فعالیتهای سیاسی دوره قاجار و همچنین حوادث مشروطه نیز تأثیر قابل توجهی از خود بر جای گذارند. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش اقتصادی این تجارت‌خانه‌ها در حوادث دوره قاجار است، در این پژوهش با تکیه بر مکتوبات و اسناد موجود، به واکاوی میزان تأثیرگذاری تجارت‌خانه‌های زرتشتی در مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران در دوره قاجار پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشگران گوناگونی به بررسی وضعیت تجارت‌خانه‌های زرتشتی در دوره قاجار پرداخته‌اند. جلیل نائیبیان و جواد علیپور سیلاب در مقاله «تجارت‌خانه‌های زرتشتیان در دوره قاجار» به بررسی تجارت‌خانه‌های مهم زرتشتی در دوره قاجار پرداخته‌اند (۱۳۹۰). مژگان حاجی اکبری نیز مقاله‌ای با عنوان «واکاوی نقش زرتشتیان در اقتصاد دوره قاجار با تأکید بر تجارت‌خانه‌های زرتشتی» به رشته تحریر آورده است (۱۳۹۴). مقالات علی‌اکبر تشکری بافق با عنوان‌های «نهاد صرافی و کارکرد تجارت‌خانه جمشیدیان در دوره قاجار» (۱۳۸۹ الف) و «درآمدی بر شرایط اجتماعی و اقتصادی زرتشتیان یزد در دوره قاجاریه (۱۲۱۰-۱۳۴۴ ه.ق)» (۱۳۸۹ ب) و مقاله

محمدعلی علیزاده با عنوان «نقش اقتصادی، سیاسی جامعه زرتشتیان ایران در تحولات دوران مشروطه تا پهلوی اول» (۱۳۸۵) نیز از این دست مقالات هستند. غالب این پژوهش‌ها حاوی اطلاعات سودمند و مفیدی درباره اوضاع اقتصادی و فعالیت‌های تجارت‌خانه‌های زرتشتیان در دوره قاجار می‌باشند. اما بیشتر بر تجارت‌خانه‌ها و رجال سرشناس زرتشتی تکیه دارند و به تجار و تجارت‌خانه‌های کوچکتر زرتشتی کمتر اهمیت داده‌اند. از سوی دیگر منابع مطالعاتی آنان، به ویژه در پژوهش مژگان حاجی اکبری، محدود بوده است و بیشتر به بررسی منابع شناخته شده در این حوزه پرداخته‌اند. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا وضعیت اقتصادی و تجاری زرتشتیان در این دوره از زوایای جدیدتر بررسی شود. افزون بر آن موارد، کتاب‌هایی نیز وجود دارند که در بخش‌هایی از آنها به وضعیت اقتصادی زرتشتیان ایران و تجارت‌خانه‌های آنان پرداخته شده است.^۱ هرچند که هیچ کدام از آنها به طور کامل و از زوایای مختلف وضعیت تجارت‌خانه‌های زرتشتی را در این دوره ارزیابی نکرده‌اند.

۱. جامعه پارسیان هند و ایجاد ارتباط با زرتشتیان ایران

به طور کلی تا دوره حکومت ناصرالدین شاه و حضور نمایندگان جامعه پارسیان هند در ایران، وضعیت زرتشتیان ایران نامطلوب بود. با وجود آنکه یزد به تدریج به مهم‌ترین شهر تجاری ایران و مرکز مبادلات تجاری مابین شهرهای خراسان، بغداد و ایروان با جنوب هندوستان تبدیل شده بود، زرتشتیان این شهر از شرایط اجتماعی و اقتصادی مناسبی برخوردار نبودند. آنان بیشتر به کشاورزی، پخت شیرینی، نان قندی و نم‌دبافی می‌پرداختند. هرچند که به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص شهر یزد، کشاورزی آنان نیز رونق چندانی نداشت (پاتینجر، ۱۳۸۴: ۳۱۰-۳۱۱؛ فلاندن، ۲۵۳۶: ۱۷۱، ۲۳۱؛ دروویل، ۱۳۶۷: ۳۳۰-۳۳۱؛ اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۱۴). در آن روزها وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه پارسیان هند کاملاً متفاوت از زرتشتیان ایران بود. چهل هزار نفر از آنان در بمبئی ساکن بودند و به قدری به کسب و کار و تجارت اهمیت می‌دادند

۱. در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ترابی فارسانی، سهیلا. (۱۳۸۴). *تجار، مشروطیت و دولت مدرن*. تهران: نشر تاریخ ایران.
اشیدری، جهانگیر. (۱۳۵۵). *تاریخ پهلوی و زرتشتیان*. تهران: انتشارات ماهنامه هوست.
امینی، تورج. (۱۳۸۰). *اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
شهمردان، رشید. (۱۳۶۳). *تاریخ زرتشتیان، فرزندان زرتشتیان*. تهران: نشر فروهر.
نمیرانیان، کنایون. (۱۳۸۶). *زرتشتیان ایران پس از اسلام تا امروز*. تهران: مرکز کرمان‌شناسی.

که به یهودیان هندوستان معروف شده بودند و واژه پارسی برای مردم هند معنی «کسب و کار» را تداعی می‌کرد (ماساهارو، ۱۳۷۳: ۳۷-۳۸؛ شورش هندوستان، ۱۳۷۲: ۱۳۱-۱۳۲). شماری از پارسیان بمبئی که از راه دلالتی تجاری میان هند، اروپا و آمریکا درآمد هنگفتی به دست آورده بودند، اقدام به تأسیس تجارت‌خانه‌ها و کارخانجات نساجی (پورداد، ۱۹۲۵ م: ۲۳) و بخش دیگری از آنان نیز در ادارات انگلیس و قشون انگلیسی بمبئی به رده‌های بالایی دست پیدا کرده بودند (هینل، ۱۳۸۶: ۱۶؛ دستمالچی، ۱۳۸۳: ۳۰).

رشد روز افزون جامعه پارسیان هند باعث شد تا فعالیت‌های نوع‌دوستانه در میان آنان افزایش پیدا کند و به تدریج متوجه وضعیت اجتماعی و سیاسی همکیشان خود در ایران شوند. پارسیان با حمایت دولت انگلستان از سال ۱۸۵۴ م / ۱۲۷۱ هـ.ق نمایندگانی را به دربار ناصرالدین‌شاه قاجار اعزام کردند که نخستین و تأثیرگذارترین آنان مانکجی لیمجی هاتریا بود. وی تابعیت انگلیسی داشت و در روزگاری که زرتشتیان ایرانی در موقعیت چندان مناسبی زندگی نمی‌کردند، با عزت و احترام و تحت حمایت دولت انگلستان در ایران تردد می‌کرد (بنجامین، ۱۳۶۹: ۲۶۹).

مانکجی خدمات و اصلاحات گسترده‌ای را در میان جامعه زرتشتیان ایران پایه‌گذاری کرد؛ اما بی‌تردید بزرگترین خدمت وی جلب رضایت ناصرالدین شاه قاجار برای صدور فرمان لغو جزیه در سال ۱۲۹۹ هـ.ق بود. این فرمان بار اقتصادی بزرگی را از شانه زرتشتیان ایران برداشت و زمینه را برای بهبود وضعیت معیشتی آنان مهیا کرد (اشیدری، ۱۳۵۵: ۴۳۱-۴۳۳).

آن طور که مشخص است در دوران حضور مانکجی و با حمایت‌های جامعه پارسیان هند از زرتشتیان ایران به تدریج و از اواسط دوره ناصری تعداد زیادی از آنان به تجارت و داد و ستد گرایش پیدا کردند و وضعیت اقتصادی جامعه زرتشتیان ایران روند رو به رشدی پیدا کرد. هرچند که ساختار این جامعه تا حدودی شبیه به جامعه هند شده بود. بخشی از زرتشتیان شهرهای ایران از وضعیت مالی بسیار خوبی برخوردار بودند، اما از سوی دیگر بیشتر افراد این جامعه همچنان به کشاورزی می‌پرداختند و در فقر و ناآگاهی به سر می‌بردند.

۲. تجار و تجارت‌خانه‌های مهم زرتشتیان

از اواخر سده نوزدهم میلادی و در دوران حکومت ناصرالدین شاه قاجار، تجارت به یکی از شغل‌های مهم کشور تبدیل شد و تجار در بالاترین سطوح اقتصادی و اجتماعی جامعه قرار گرفتند. آنان به غیر از تجارت، از راه وام دادن به مردم کسب درآمد و برای جذب سرمایه بهره سالانه‌ای

در حدود ده تا دوازده درصد پرداخت می‌کردند که بسیار بیشتر از مبلغی بود که بانک شاهنشاهی به سپرده‌های سپرده‌گذاران پرداخت می‌کرد^۱ (محبوبی اردکانی، ۲۵۳۷، ج ۲: ۷۶). همچنین بسیاری از تجار و تجارت‌خانه‌ها، افزون بر صرافی به تجارت خارجی و تولید مواد خام برای صادرات نیز مشغول بودند (اشرف، ۱۳۵۹: ۷۷). این تجارت‌خانه‌ها علی‌رغم کسب درآمد هنگفت، هیچ مالیاتی به غیر از عوارض گمرکی به دولت نمی‌پرداختند و در مواقعی که خزانه دولت خالی می‌شد، مبلغی به اختیار خود به خزانه واریز می‌کردند (روش‌شوار، ۱۳۷۸: ۱۵۰، ۱۵۵-۱۵۶). این موارد به تدریج باعث شد که اهالی این حرفه به یکی از بالاترین مراتب اجتماعی کشور دست پیدا کنند و به نوعی تبدیل به نخستین بانکداران خصوصی کشور شوند.

با رشد داد و ستد تجاری به دلیل مشکلات و خطراتی که در زمینه حمل و نقل پول نقد وجود داشت و کاهش ارزش اسکناس‌های بانک شاهی در شهرهای دیگر، به تدریج مبادلات با برات و حواله‌جات رونق پیدا کرد (تشکری بافقی، ۱۳۸۹ الف: ۳) و این اتفاق باعث رشد روز افزون جایگاه تجار و تجارت‌خانه‌های آنان شد.

در همین دوران با حمایت‌های پارسیان هند از زرتشتیان ایران، تجارت جنوب ایران با هند گسترش پیدا کرد و یزد تبدیل به یکی از گذرگاه‌های اقتصادی ایران و پل ارتباطی و تجاری جنوب و سواحل خلیج فارس با دیگر مناطق تجاری ایران گردید (عیسوی، ۱۳۶۲: ۹۶، ۱۰۵). به دلیل آنکه تجار زرتشتی در سال‌های آغازین نسبت به مسلمانان از موانع شرعی کمتری برخوردار بودند و از طرف بازرگانان پارسی هند حمایت می‌شدند، به تدریج توانستند نقش پررنگ‌تر و مؤثرتری را در اقتصاد ایران ایفا کنند. برخی از تجار زرتشتی این شهر با گسترش ارتباطات فرهنگی و اقتصادی با همکیشان خود در بمبئی، جایگاه خود را به شدت ارتقا بخشیدند و تبدیل به قطب اقتصادی منطقه شدند.

زرتشتیان در کرمان و شیراز نیز، به فعالیت‌های اقتصادی می‌پرداختند. کاروان‌های تجاری که وارد کرمان می‌شدند از شهر یزد نیز عبور و در کاروانسراهای آن اطراق می‌کردند (خانیکف، ۱۳۷۵: ۲۱۱) که این امر باعث رشد جایگاه اقتصادی این شهرهای زرتشتی‌نشین گردید.

تجار زرتشتی شهر به تدریج با وجود تمامی محدودیت‌ها، به تولید و صادرات منسوجات پشمی اقدام کردند. از سوی دیگر زرتشتیان در شیراز نیز بیشتر در زمینه فروش منسوجات، یزد و

۱. بانک شاهنشاهی برای سپرده‌های بدون قید مدت دو و نیم درصد، برای سپرده‌های شش ماهه چهار درصد و برای سپرده‌های یک ساله سالانه شش درصد بهره پرداخت می‌کرد.

کرمان (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۴۴ ه.ق: ۱۳-۱۴)، تجارت اسلحه (وقایع‌الافتاقیه، ۱۳۸۳: ۵۵۳-۵۵۲) و صدور پوست فعال بودند (ساکما، شناسه سند: ۸۷۳۵/۲۴۰).

مؤسسات تجاری جمشیدیان و جهانیان از اواسط دوره ناصری توانستند از مرحله صرافگیری وارد بانکداری شوند و به نوعی بانکداری خصوصی را در ایران پایه‌گذاری کنند. این مؤسسات تجاری به لحاظ ممنوعیت‌هایی که در دین اسلام در مورد فرع و سود پول وجود دارد، از آزادی‌های بیشتری برخوردار بودند. هرچند که گاه تعصبات دینی متداول در دوره قاجار فعالیت آنها را تحت‌الشعاع قرار می‌داد (ترابی‌فارسانی، ۱۳۸۴: ۷۸-۷۹). در این دوران یکی از مهم‌ترین کالاهای وارداتی به ایران منسوجات بود. در سال‌های پس از مشروطه، انگلستان و هند بیش از نیمی از پارچه‌های وارده به ایران را تأمین می‌کردند که بیش از دو سوم آنها از راه بنادر خلیج فارس وارد ایران می‌شد (جمالزاده، ۱۳۳۵ ه.ق: ۱۱-۱۳).

از سوی دیگر در سال‌های پس از مشروطه، مهم‌ترین کالای صادراتی ایران، پنبه بود که انحصار آن در اختیار روس‌ها قرار داشت (همان: ۱۶-۱۸). روسیه این وظیفه را از سال‌های پایانی قرن ۱۹ میلادی در کرمان و رفسنجان به طور کامل بر عهده زرتشتیان و نمایندگی تجارتخانه تومانیانس قرار داد (سایکس، ۱۳۳۶: ۲۱۴). همچنین تجارتخانه جهانیان نیز فعالیت خود را بر پایه صدور پنبه از یزد آغاز کرد (اشرف، ۱۳۵۹: ۷۸). از کالاهای صادراتی مهم دیگر ایرانیان در آن زمان، قالی‌های پشمی کرمان، یزد، کاشان و تبریز، قالیچه‌های پنبه‌ای و شال‌های ممتاز از کرمان بودند (جمالزاده، ۱۳۳۵ ه.ق: ۲۰، ۳۰، ۳۳، ۴۰، ۷۸ و ۸۱) که تولیدکنندگان و تجار زرتشتی در زمینه تولید و صدور آنان فعالیت می‌کردند. همچنین شهر یزد نیز به کارگاه‌های متعدد نخ‌ریسی، حریربافی، شیرینی‌پزی و غیره شهره بود (جمالزاده، ۱۳۳۵ ه.ق: ۸۱).

۱.۲. تجارتخانه جمشیدیان

ارباب جمشید جمشیدیان متولد ۱۲۶۷ ه.ق / ۱۸۵۰ م، فرزند بهمن زرتشتی و از بازرگانان یزدی، بنیان‌گذار تجارتخانه جمشیدیان بود (بامداد، ۱۳۸۴: ۲۱۶). وی در اواسط دوره قاجار و زمان مشروطه، به واسطه موقعیت اقتصادی خود، توانست به جایگاه اجتماعی رفیعی در میان دولتمردان ایرانی دست پیدا کند. ارباب جمشید کودکی خود را با بزازی و فروش منسوجات و کارگری در تجارتخانه رستم مهربان آغاز کرد. به تدریج به درستی و امانت‌داری شهره شد و توانست مسئولیت شعبه تهران

تجارتخانه وی را برعهده بگیرد و پس از هفت سال حجره‌ای در سرای مشیر خلوت بازار برای خود تهیه کرد و از حدود سال ۱۲۶۵ ه.ش اقدام به صرافی نمود (اشیدری، ۱۳۵۵: ۳۷۸؛ شهرمان، ۱۳۶۳: ۴۳۳).

ارباب جمشید به تدریج بنگاه تجاری خود را بر اساس فعالیت در حوزه‌های تجاری و ملکی گسترش داد و آن را در سال ۱۳۱۲ ه.ق / ۱۸۹۴ م، «تجارتخانه جمشیدیان» نامید. وی به دلیل ارتباط نزدیک با دربار، به تدریج امور حمل و نقل کالا در شهرهای تهران، قم، کاشان، اصفهان و جنوب کشور را برعهده گرفت (ترابی فارسانی، ۱۳۸۴: ۷۵). مؤسسه وی به مرور، نمایندگی‌ها یا شعبه‌هایی را در مناطق مختلف کشور از جمله گیلان، مازندران، قزوین، همدان، آستارا، آذربایجان، کرمانشاه، اصفهان، بوشهر، بندرعباس، تأسیس نمود و دفاتر بازرگانی در بغداد، بصره، کلکته، پاریس، لندن، استانبول، لهستان، گرجستان، آلمان، چین، آمریکا، برزیل، ژاپن و مصر افتتاح کرد (زارع، [بی‌تا]، ج ۲: ۱۲۶-۱۲۷ و ۲۵۰؛ امینی، ۱۳۸۰: ۹۲).

تجارتخانه جمشیدیان از راه واسطه‌گری برای خرید منصب «حکومت بنادر جنوب و فارس» و خرید عواید گمرکات تبریز، کرمان، یزد، بوشهر به اعتبار و درآمد هنگفتی دست پیدا کرد (زارع، [بی‌تا]، ج ۲: ۱۲۰، ۱۲۷-۱۳۰). از سوی دیگر این تجارتخانه بخشی از سرمایه خود را در زمینه کشاورزی، خرید و فروش، اجاره املاک و زمین هزینه کرد و از این راه درآمد و اعتبار زیادی کسب کرد^۱ (عیسوی، ۱۳۶۲: ۶۸؛ زارع، [بی‌تا]، ج ۲: ۱۶۰؛ ستوده، ۱۳۷۱، ج ۱: ۳۱۴-۳۱۵؛ نامه‌های یوسف مغیث السلطنه، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

در دوره حکومت مظفرالدین شاه، جایگاه ارباب جمشید به دلیل معاملات گسترده با دولت و اشراف بیش از پیش رشد پیدا کرد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۶۸) و لقب رئیس‌التجاری کل زرتشتیان ممالک محروسه به او داده شد (اشیدری، ۱۳۵۵: ۳۷۸). وی حتی در مواقعی که خزانه دولت خالی می‌شد از محل ذخیره پول‌ها و طلاهای شاه، بدهی‌ها و حواله‌های معوق را پرداخت می‌کرد (بهرامی، ۱۳۶۳: ۶۱-۶۲). در آن زمان و در سال‌های نزدیک به مشروطه تجارتخانه جمشیدیان در زمینه خرید و فروش، حمل و نقل اسلحه و فشنگ میان شهرهای تهران، شیراز و بوشهر نیز فعالیت می‌کرد (نامه‌های یوسف مغیث السلطنه، ۱۳۹۰: ۴۴).

ارباب جمشید گاه برای پیشبرد اهداف سیاسی و اجتماعی و مختومه کردن پرونده‌های قضایی خود به پرداخت رشوه‌های کلان و حق‌السکوت متوسل می‌شد^۲ (ملک‌المورخین، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۷۵).

۱. بخش زیادی از اراضی امیرآباد، تجریش، سعدآباد، پارک اتابک، شریف‌آباد قم، ورامین، بخش‌هایی در آمل، محمودآباد و... از زمین‌های خریداری شده تجارتخانه جمشیدیان بود.

۲. عبدالحسین سپهر درباره ارتباط نامشروع ارباب جمشید با دختر ناصرالدین شاه و همسر غلامعلی خان عزیزالسلطان ملیجک ثانی این چنین می‌نویسد: «در عشر اول شوال، ارباب جمشید تاجر گبر در طهران با زن عزیزالسلطان که دختر شاه شهید بوده ساز مراوده می‌زد و او را به باغ خود آورد. علاءالدوله شب خبردار شده به خانه او می‌رود و او را گرفته به منزل خود می‌برد که صدمه‌اش بزند. شبانه بیست و پنج هزار تومان می‌دهد و خلاص می‌شود» (ملک‌المورخین، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۷۵).

در جریان تعیین نماینده برای زرتشتیان در نخستین مجلس شورای ملی نیز، نقش ارباب جمشید و رشوه‌های وی بسیار پررنگ بود. خود او در دوره نخست مجلس به عنوان نماینده زرتشتیان تعیین شد (بامداد، ۱۳۸۴: ۲۱۶؛ سفری، ۱۳۷۰: ۴۸۷).

مستشرق فرانسوی، هانری رنه دالمانی که در آن زمان با ارباب جمشید دیدار داشت، وی را فردی معتبر و صاحب نفوذ با ثروتی چند میلیون فرانکی معرفی کرده است (دالمانی، ۱۳۳۵، ج ۳: ۸۰۵). وی در مواقع لزوم به دولت مرکزی پول قرض می‌داد به طوری که تا تاریخ ۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۰ ه.ق، میزان بدهی دولت ایران به تجارت‌خانه جمشیدیان بالغ بر ۴۰۰۰۰۰۰ قران (۴۰ هزار تومان) بود (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۵۵).

با تمام این اوصاف ارباب جمشید در سال ۱۳۳۴ ه.ق / ۱۹۱۳ م ورشکست شد. وی در حدود سیزده میلیون ریال به بانک استقراضی و دو میلیون ریال به بانک شاهی بدهی داشت و به دلیل ناتوانی در بازپرداخت آن، تجارت‌خانه‌هایش را بانک استقراضی روس مصادره کرد و فعالیت‌های اقتصادی‌اش از سوی دولت متوقف گردید^۱ (مصاحب، ۱۳۸۱، ج ۱، بخش ۲: ۷۴۸؛ جهانشاهی، ۱۳۳۸: ۱۰). در ورشکستگی وی عوامل مختلفی دخیل بودند، به احتمال زیاد علت اصلی و کلی آن فشار دولت‌های روس، انگلیس و کارشکنی‌های بانک‌های استقراضی و شاهنشاهی در ایران بود که تمایل چندانی به نقش‌آفرینی اقتصادی ارباب جمشید و سایر صرافان مشهور ایران نداشتند و از تلاش تجار زرتشتی و همراهی پارسیان هند برای تأسیس بانک ملی دلگیر بودند (جهانشاهی، ۱۳۳۸: ۱۰؛ شهردان، ۱۳۶۳: ۴۳۶-۴۳۷).

از سوی دیگر، برخی رؤسای ایلات و عشایر جنوب در سال‌های پس از انقلاب مشروطه از حکومت مرکزی تبعیت نمی‌کردند و بسیاری از راه‌های تجاری جنوبی را مسدود کرده بودند، از این رو، کالاهای انگلیسی و هندی دیرتر و گران‌تر از کالاهای کشورهای دیگر مانند روسیه به مرکز ایران می‌رسیدند (ویلسن، ۱۳۴۷: ۸۶). این امر موجب شد تا تجار زرتشتی به عنوان واسطه‌های تجاری کالاهای هندی و انگلیسی بنادر جنوبی متضرر شوند.^۲

۱. ارباب جمشید در برابر بدهی خود اموال و زمین‌های زیادی را نزد بانک استقراضی فرو گذاشته بود. اما به بهانه مشکلات شدید مالی از پرداخت بدهی‌های خود سرباز می‌زد. کمره‌ای در خاطرات خود می‌نویسد که روس‌ها با پرداخت وجهی به وثوق‌الدوله قرض ارباب جمشید و مسئولیت وصولش را به گردن دولت انداختند (کمره‌ای، ۱۳۸۲، ج ۱: ۵۸۶). اما در نوشته‌های روزنامه‌چهره‌نما، بیان شده است که دولت نیز از این اتفاق چندان باخبر نبوده و بانک استقراضی روس خودسرانه اقدام به مصادره اموال و املاک تجارت‌خانه جمشیدیان در ولایات مختلف نمود (چهره‌نما، ۱۳۳۵ ه.ق: ۹-۱۱). هرچند که باور بی‌خبری دولت از این موضوع با توجه به مصادره گسترده اموال ارباب جمشید که نیاز به قوه اجرائی گسترده دارد کمی مشکل است.

۲. در نامه‌ای که کیخسرو شاه بهرام، از افراد شاغل در تجارت‌خانه جمشیدیان در شوال ۱۳۲۸ مصادف با اکتبر ۱۹۱۰ نوشته،

ارباب جمشید برای آنکه به طور کامل اموال خود را از دست ندهد فاضل نظری، وکیل مشهور دادگستری را به عنوان وکیل خود انتخاب و با پرداخت رشوه‌های کلان به قضات و مراجع متنفذ اعلام ورشکستگی کرد (صفایی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۶۴۴). وی در آن هنگام به دنبال وصول طلب‌های خود بود تا بتواند با پول آن، بخشی از بدهی‌هایش را پرداخت کند (ساکما، شناسه اسناد: ۲۹۸/۸۴۷ و ۲۴۰/۶۷۵). این روند تا یازدهم دی ماه ۱۳۰۲ ادامه پیدا کرد. در این تاریخ معاضدالسلطنه (ابوالحسن پیرنیا) وزیر عدلیه وقت، دستور به رسیدگی مجدد پرونده وی داد و پس از تحقیقات حکم بازداشت ارباب جمشید و وکیلش را صادر کرد (صفایی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۶۴۵-۶۴۴). ارباب جمشید پس از مدتی از زندان آزاد شد، اما هیچ‌گاه نتوانست موقعیت سابق خود را به دست آورد و سرانجام در ۱۶ دی ماه ۱۳۱۱ ه.ش درگذشت (شهمردان، ۱۳۶۳: ۴۴۵).

۲.۲. تجارت‌خانه جهانیان

خسرو شاه جهان و برادرانش پرویز، گودرز، رستم و بهرام، تجارت‌خانه جهان یا جهانیان در سال ۱۳۱۲ ه.ق / ۱۸۹۴ م را با هدف انجام فعالیت‌های تجاری در شهر یزد تأسیس کرد. این شرکت، نخست در کار صدور پنبه بود و سپس وارد امور صرافی گردید. مرکز این مؤسسه، در شهر یزد بود اما در شهرهای دیگری چون تهران، اصفهان، کرمان، شیراز و بندرعباس نیز فعالیت و در بمبئی و لندن نمایندگی داشت. این تجارت‌خانه در زمینه‌های مختلفی همچون قبول سپرده و وجوه نقدی اشخاص در مقابل بیجک صندوق (قبض عندالمطالبه)، خرید و فروش ارز، برات خارجی و وصول و ایصال مالیات‌ها به فعالیت می‌پرداخت. این تجارت‌خانه همچنین در صنعت مخابرات کشور نیز مشارکت و سرمایه‌گذاری داشت و از مؤسسان شرکت تلفن ایران به شمار می‌آمد (اشرف، ۱۳۵۹: ۷۸-۸۰؛ جهانشاهی، ۱۳۳۸: ۵۰-۵۱؛ مصاحب، ۱۳۸۱، ج ۱، بخش ۲: ۷۷۹).

تجارت‌خانه جهانیان در اراضی وسیع تحت مالکیت خود، به کاشت پنبه، تریاک، ابریشم و خشکبار می‌پرداخت و محصولات آن را صادر می‌نمود (اشرف، ۱۳۵۹: ۱۸۱). این تجارت‌خانه همچنین در زمینه تجارت اسلحه و واردات آن از سمت بوشهر فعالیت می‌کرد (ساکما، شناسه سند: ۲۹۳/۴۸۴۱) و مسئولیت وارد کردن گندم به تهران و فروش آن به دولت را نیز بر عهده داشت (همان: ۲۴/۷۸۳۲، ۲۴/۳۷۰۴؛ امینی، ۱۳۸۰: ۵۲۳-۵۲۵).

وضعیت ناامن تجاری در روزهای پس از مشروطه به خوبی مشخص و مشهود است. نویسنده نامه سعی کرده است که تمامی راه‌های تجاری آبی و خاکی و وضعیت امنیتی آنان را برای طرف پارسی مشخص کند و اطلاعاتی درباره طول مسیر، مدت زمان حدودی سفر و میزان امنیت هر کدام از راه‌ها به طرف مقابل ارائه دهد (اشیدری، ۱۳۶۰: ۴۳۱-۴۱۹).



به نظر می‌رسد که یکی از عوامل موفقیت تجارت‌خانه جهانیان، همکاری صمیمانه این پنج برادر بود که به نوعی حکومتی ملوک‌الطوایفی در زمینه تجارت برای خود ترتیب داده بودند و هر کدام از آنان مسئولیت تجارت‌خانه جهانیان را در یکی از شهرهای اصلی کشور بر عهده داشتند. اما مسئولیت کلی تجارت‌خانه و نظارت بر افعال همگی ایشان با خسرو شاه‌جهان برادر بزرگتر آنان بود.

تجارت‌خانه جهانیان که تبدیل به یکی از بنگاه‌های مهم تجاری کشور شده بود به تدریج دچار زوال و رکود اقتصادی گردید. فعالیت‌های گسترده بانکی این مؤسسه، رقابت صرافیه‌های بزرگ دیگر با آنان را تشدید کرده و از سوی دیگر حمایت برادران جهانیان از انقلاب مشروطه باعث شده بود که دربار و به ویژه شخص محمدعلی شاه نسبت به آنان نظر مساعدی نداشته باشد. مشارکت آنان در تأسیس بانک ملی و جذب سرمایه از پارسیان هند برای این امر نیز تهدیدی برای منافع بانک‌های شاهنشاهی و استقراری به شمار می‌آمد. این مسئله طبیعتاً مخالفت‌های حکومت‌های انگلستان و روسیه را با مؤسسه جهانیان در پی داشت و باعث درگیری‌های گسترده مالی میان بانک استقراری روس و این تجارت‌خانه در سال‌های بعد گردید. اما به نظر می‌رسد که ضربه اصلی را بر پیکره مؤسسه جهانیان ترور ارباب پرویز، رئیس شعبه یزد و فریدون خسرو اهرستانی، مسئول شعبه تهران این تجارت‌خانه زد. دلیل واقعی این ترورها هیچ‌گاه به طور دقیق مشخص نشده است، اما آن طور که به نظر می‌رسد هدف اصلی طراحان آنها، تضعیف شرکت جهانیان به دلیل وجود رقابت و درگیری‌های مالی بوده است.

پس از مرگ فریدون خسرو، خسرو شاه‌جهان برای دادخواهی نزد محمدعلی شاه رفت اما از طرف وی حمایتی نیافت به همین دلیل از سمت بوشهر به بمبئی سفر کرد تا از پارسیان آنجا یاری بگیرد. وقتی در آنجا نیز نتوانست حمایتی به دست آورد به لندن سفر کرد و در آنجا با دده بابی نوروزجی، نماینده مردم هندوستان در پارلمان انگلستان ملاقات نمود و وی را در جریان مبارزات مشروطه قرار داد و از وی درخواست حمایت و یاری کرد. هنگامی که احمد شاه قاجار به سلطنت رسید به زرتشتیان قول مساعد برای حمایت از جان و مال آنان داد و حتی بهرام شاه‌جهان را احضار نمود و مقدمات بازگشت خسرو شاه‌جهان را که در خارج از ایران ره به جایی نبرده بود فراهم کرد. با تمام این اوصاف این تجارت‌خانه دیگر نتوانست موقعیت اصلی خود را باز یابد و عاقبت به صورت موقت تعطیل شد و بانک‌های خارجی که فرصتی مناسب یافته بودند، با دادن اعتبار زیاد و قطع ناگهانی آن، فعالیت‌های شرکت را در ۱۳۳۰ ه.ق / ۱۲۹۱ ه.ش متوقف ساختند. هرچند که عامل تضعیف کامل این مؤسسه عمال حکومتی بودند، به طوری که در نامه‌نگاری‌های بهرام جهانیان با وزارت امور داخله در جمادی الثانی و جمادی الآخر ۱۳۳۱ مشخص می‌شود که مأموران حکومت برای وصول قبوض، دست

به تخریب گسترده تجارت‌خانه‌های جهانیان زدند به طوری که این تجارت‌خانه هیچ‌گاه به موقعیت سابق خود بازنگشت (ساکما، شناسه سند: ۲۴/۴۶۴۶؛ امینی، ۱۳۸۰: ۵۳۳-۵۳۱؛ مهر، ۱۳۴۸: ۲۰؛ جهانشاهی، ۱۳۳۸: ۱۲).

۳.۲. تجارت‌خانه (شرکت) پارسیان یگانگی

مؤسس این شرکت ارباب گیو شاهپور در ۱۲۵۵ ه.ش در شهر یزد به دنیا آمد. وی در حدود بیست سالگی عازم تهران شد و به تجارت در این شهر پرداخت. ارباب گیو با زبان‌های روسی و فرانسوی آشنایی داشت و از نخستین زرتشتیانی بود که باب بازرگانی به اروپا را به صورت مستقیم باز کرد. وی در ۱۳۲۸ ه.ق / ۱۲۸۹ ه.ش، شرکتش را با نام «شرکت یگانگی پارسیان» تأسیس کرد. ارباب گیو به دلیل شهرتی که به دلیل تجارت و فعالیت‌های اقتصادی به دست آورده بود از بدو تأسیس «انجمن زرتشتیان تهران» به عنوان یکی از اعضای آن انتخاب شد و تا پایان عمر این عنوان را در اختیار داشت (امینی، ۱۳۸۰: ۵۳۵).

تجارت‌خانه یگانگی در تهران و در سه شعبه به فعالیت می‌پرداخت. شعبه اصلی آن در دالان امین‌الملک بود، شعبه دوم جنب سبزه میدان و شعبه سوم تجارت‌خانه یگانگی در مقابل شمس‌العماره قرار داشت (روزنامه رعد، ۱۳۳۳ ه.ق: ۴). ارباب رستم در دوران ناامنی جنگ جهانی اول هر هفته یک گاری از بسته‌ها و نامه‌ها را از تهران به اصفهان ارسال می‌کرد و کالسکه‌هایی داشت که آنان را به مسافران و یا مأموران دولت کرایه می‌داد و به دلیل آنکه با نایب حسین کاشی (کسی که اختیار راه‌های قم تا کاشان را به دست گرفته بود) زد و بند مالی داشت، کسی به کالسکه‌های وی تعرض نمی‌کرد (بهرامی، ۱۳۶۳: ۳۲۸-۳۳۰). تجارت‌خانه یگانگی در این ایام در زمینه تجارت اسلحه نیز فعالیت داشت و از روسیه به ایران اسلحه وارد می‌کرد (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۲۹ ه.ق: ۲ و ۳). همچنین از مجموعه نامه‌نگاری‌های مابین شرکت یگانگی پارسیان، وزارت مالیه و خزانه‌داری کل در حد فاصل سال‌های ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۶ ه.ق مشخص می‌شود که این تجارت‌خانه با همراهی شریک تجاریش ارباب گیو مقدار زیادی اسلحه و فشنگ از کشور آلمان خریداری کرده بودند و قصد وارد کردن این سلاح‌ها را به ایران داشتند. هرچند که به دلیل مشکلات و حواشی زیاد موفق به انجام این عمل نشدند^۱ (ساکما، شناسه سند: ۲۴/۵۵۰۲؛ امینی، ۱۳۸۰: ۵۳۴-۵۴۹).

۱. با توجه به اولتیماتوم روسیه به ایران درباره اخراج مورگان شوستر و عدم رعایت این اخطار از سمت ایران، روسیه اجازه عبور این اقلام را از خاک کشور خود نمی‌داد. از سوی دیگر همزمانی تقریبی این داد و ستد و درگیری مالی با جنگ جهانی اول نیز احتمالاً مزید بر علت شده است.

۴.۲. تجارت‌خانه ارباب کیخسرو رستم پاریسی

در باره شخصیت ارباب کیخسرو رستم^۱ اطلاعات چندان زیادی وجود ندارد. وی در کودکی تحت تعلیم مانکجی (نخستین نماینده جامعه پارسیان هند در ایران) قرار داشت. به تدریج رو به تجارت آورد. در زمان مشروطه از حامیان آن به حساب می‌آمد و حتی در هنگام ورود ستارخان و باقرخان به تهران و در زمان تاجگذاری احمدشاه وی بخشی از هزینه‌های جشن و برگزاری مراسم را تقبل کرد (امینی، ۱۳۸۰: ۵۲۷). در رمضان سال ۱۳۲۸ هـ.ق شعبه ساری تجارت‌خانه وی مبلغ ۱۵۰۰ تومان به نظمیة شهر قرض داد. هرچند که این اداره، قرض مزبور را تا سال بعد پرداخت نکرد و باعث نامه‌نگاری‌های زیاد ارباب کیخسرو رستم با وزارت مالیه برای وصول طلبش از این اداره دولتی گردید (ساکما، شناسه سند: ۲۴/۱۱۹۵).

آن طور که مشخص است با فشارهایی که بانک‌های خارجی، به ویژه بانک استقراضی روس به تجارت‌خانه‌های زرتشتی آوردند و به دلیل وابستگی‌های تجاری آنان به یکدیگر، یک به یک دچار مشکلات مالی و ورشکستگی گردیدند. ارباب رستم نیز وامی از بانک استقراضی دریافت کرده که در پرداخت اقساط خود دچار مشکل شده بود و به دلیل آنکه وی منزل مسکونی خود، به انضمام تمام ملحقات آن را به عنوان ضمانت در اختیار بانک مذکور قرار داده بود، در نامه‌ای که کنسولگری روسیه به اداره محاکمات وزارت امور خارجه در تاریخ ۵ ربیع الاول ۱۳۳۱ ارسال کرد، خواستار توقیف منزل و اموال ارباب شد (همان: ۳۶۰/۳۰۶۲). از سال ۱۳۲۹ هـ.ق به بعد، شکایت‌های داخلی و خارجی زیادی از وی مطرح شده بود، اما او توجه زیادی به این شکایات نداشت و مقر تجارت‌خانه خود را به مازندران و شمال ایران انتقال داده بود (همان: ۳۶۰/۲۹۱۳). در نامه‌ای محرمانه و فوری که قوام السلطنه (احمد قوام) وزیر مالیه وقت، به حکومت مازندران فرستاده است، درخواست می‌کند که اموال ارباب کیخسرو رستم در مازندران نیز توقیف شده و خود وی بازداشت و سریعاً برای رسیدگی به شکایات مطرح شده علیه او، به تهران فرستاده شود (همان: ۲۹۳/۵۸۱۸).

هرچند که از نامه‌ای که ارباب کیخسرو شاهرخ در ۱۴ جمادی الآخر ۱۳۳۱ هـ.ق به قوام السلطنه ارسال کرده است، مشخص می‌شود که با وساطت وی، توقیف ارباب کیخسرو رستم و اموال وی در آن تاریخ منتفی شده است (همان: ۲۴/۵۵۰۲).

۱. به دلیل تشابه نامی وی با ارباب کیخسرو شاهرخ، پژوهشگران برای استفاده از این اسناد گاه دچار اشتباه می‌شوند. به طور مثال در توصیفات و توضیحات مرکز اسناد ملی اکثر سندهایی که با نام ارباب کیخسرو وجود دارد، ارباب کیخسرو شاهرخ فرض شده است که در بسیاری از موارد این امر اشتباه است و سند مذکور مربوط به ارباب کیخسرو رستم می‌باشد. آن طور که به نظر می‌رسد برای نوشتن نام ارباب کیخسرو رستم غالباً از لقب وی یعنی پاریسی استفاده می‌شده و مقصود از ارباب کیخسرو پاریسی، ارباب کیخسرو رستم است.

روند درگیری‌ها و مشکلات مالی داخلی و خارجی تجارت‌خانه کیخسرو رستم در زمینه تجارت کتیرا و ذغال نیز تا سال ۱۳۳۳ ه.ق ادامه یافت (همان: ۲۹۱۳ / ۳۶۰ و ۴۶۴۴ / ۳۶۰) تا آنکه ضربه اصلی به این تجارت‌خانه از سوی کنسولگری انگلستان و به دلیل حمایت از تجار هندی طلبکار از کیخسرو پاریسی زده شد. در این تاریخ تجارت‌خانه ارباب کیخسرو رستم عملاً یک تجارت‌خانه ورشکسته به حساب می‌آمد و کنسولگری‌های انگلستان و روسیه بر سر بار کتیراهای وی با یکدیگر درگیر بودند. تاجری روسی به عوض طلبی که از ارباب کیخسرو رستم داشت حکم توقیف بار کتیراهای وی را در بندرعباس گرفت. این کتیراها با همکاری تجارت‌خانه جمشیدیان صادر می‌شد. با شکایت تجار هندی و اعتراض کنسولگری انگلستان مشخص شد که ارباب کیخسرو رستم بار کتیرای خود را از پیش و در سال ۱۳۳۰ ه.ق در ازای بدهی خود به فردی به نام علی اصغر خوئی واگذار کرده و وی نیز به عوض بخشی از بدهکاری خود این بار کتیرا را به تجار هندی مورد حمایت انگلستان داده بود. از این رو، تصمیم بر آن شد که کتیراها در همان بندرعباس به فروش رسد و وجهش به تجار هندی داده شود و تاجر روسی مجدداً به شکایت از ارباب کیخسرو رستم بپردازد و اموال دیگر او را مصادره کند (همان: ۱۵۶۴ / ۳۶۰ و ۲۹۱۳ / ۳۶۰).

این اتفاقات موجب شد تا ارباب کیخسرو رستم و تجارت‌خانه وی دیگر هیچگاه به جایگاه پیشین خود دست پیدا نکنند.

۵.۲. تجار و تجارت‌خانه‌های کوچکتر زرتشتی

در این دوران زرتشتیان دیگری نیز به داد و ستد و تأسیس تجارت‌خانه روی آورده بودند که در این ارتباط می‌توان به تجارت‌خانه‌های فرامرزیان، ارباب شهریار ساسانی و ارباب بهمن بهرام اشاره کرد. این تجارت‌خانه‌ها داد و ستد زیادی با شعبه‌های مختلف تجارت‌خانه جمشیدیان داشتند. در پی بحران‌های اقتصادی به وجود آمده به دلیل کودتای محمدعلی شاه و پس از آن درگیری‌های مالی مابین تجار زرتشتی و بانک‌های استقراضی و شاهنشاهی، این تجار و تجارت‌خانه‌ها دچار مشکلات شدیدی مالی شدند و برای رهایی از ورشکستگی، حوالجات و بروات چند صد هزار تومانی را به دوش شعبه‌های تجارت‌خانه جمشیدیان گذاشته و یکی دیگر از عوامل ورشکستگی این تجارت‌خانه را به وجود آوردند (شهمردان، ۱۳۶۳: ۴۳۵-۴۳۶).

درباره این تجارت‌خانه‌ها و بنیان آنها مطالب زیادی در اسناد و مکتوبات نیامده است و این امر نشان از آن دارد که گستردگی نفوذ و قدرت اقتصادی آنان مانند تجارت‌خانه‌های مشهور زرتشتی نبوده است.



ارباب بهمن بهرام فعالیت‌های اقتصادی خود را از سال ۱۲۸۷ ه‍.ش و با انجام تعمیر و تعویض تیرهای خطوط تلفن و حمل محمولات پستی از تهران به رشت و انزلی و از قزوین به همدان آغاز کرد. وی در جابه‌جایی محمولات و مال‌التجاره تجار زرتشتی مبلغ کمتری از آنان دریافت می‌نمود (امینی، ۱۳۸۰: ۵۷۷-۵۷۸). این امر باعث شهرت وی در میان زرتشتیان و رونق کار او گردید به طوری که از دوره ششم تا نهم به عنوان یکی از اعضای انجمن زرتشتیان تهران انتخاب شد (پوررستمی، ۱۳۸۷: ۱۵۵-۱۵۸).

ارباب بهمن هیچگاه نتوانست به جایگاه بالایی در میان تجار زرتشتی کشور دست یابد. وی به دلیل عدم رعایت بندهای قرارداد حمل‌گندم، جو و علیق چاپارخانه‌ها، بارها مجبور به پرداخت غرامت شد (ساکما، شناسه سند: ۲۴/۵۸۳۸ و ۲۴/۳۷۱۵). حتی بابت عدم پرداخت قیمت چند رأس اسب و یک درشکه (همان: ۱۵۳۵/۳۶۰) و عدم ارسال درست محموله‌های پستی (همان: ۲۹۸/۸۵۵۵۴) نیز از وی به دادگاه شکایت کردند.

تجارت‌خانه ساسانیان به ریاست ارباب شهریار ساسانی از دیگر تجارت‌خانه‌های زرتشتی دوره قاجار است. این تجارت‌خانه در منطقه مازندران فعالیت داشت و به تجارت با روسیه و ترکستان می‌پرداخت. شهریار ساسانی نیز مانند ارباب بهمن بهرام قراردادهایی را با دولت، در زمینه ایجاد راه‌های شوسه بسته بود، هرچند که وی نیز سرانجام مانند سایر تجار و تجارت‌خانه‌های زرتشتی به دلیل بی‌احتیاطی در انجام معاملات دچار ورشکستگی شد (امینی، ۱۳۸۰: ۵۰۲).

تجارت‌خانه دیگر زرتشتیان، تجارت‌خانه فرامریان نام داشت که به ریاست رشید خداداد پاریسی به فعالیت در حوزه‌های مختلف تجاری می‌پرداخت. این تجارت‌خانه از سال ۱۳۳۰ ه‍.ق دچار مشکلات مالی شد و سرانجام درگیری‌های مالی و حقوقی با بانک استقراضی روسیه آن را به ورشکستگی کشاند (ساکما، شناسه سند: ۳۶۰/۶۶، ۲۴۰/۹۴۳۱۹، ۲۴۰/۵۸۵، ۲۹۸/۱۳۰۵۸۵، ۲۹۸/۳۶۷۵۴).

۳. نقش اقتصادی تجار و تجارت‌خانه‌های زرتشتیان در حوادث مشروطه

آن طور که به نظر می‌رسد، زرتشتیان نیز مانند سایر مردم ایران شناخت مشخصی از مجلس و مشروطه نداشتند و تنها به امید برپایی حکومت مساوات و برابری و برای به دست آوردن حقوق ساده اجتماعی اقدام به حمایت از آن کردند. حمایت‌های آنان از مشروطه بیشتر در قالب کمک‌های اقتصادی و در پاره‌ای موارد، خرید و حمل و نقل اسلحه برای آزادی خواهان باقی ماند و فراتر از آن نرفت.

در جریان انقلاب مشروطه، ارباب جمشید شخصاً مبلغ بیست هزار تومان به مشروطه خواهان کمک کرد و توانست مبلغ ده هزار تومان نیز از سایر زرتشتیان برای آنان جمع‌آوری کند (مهر، ۱۳۴۸: ۸) از سوی دیگر بخشی از هزینه‌ی تحصن در سفارت‌های انگلستان و عثمانی را وی تأمین می‌کرد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۰۹؛ ۱۱، ۱۳۵۹: ۴۵۱؛ امیرخیزی، ۱۳۳۹: ۴۷۹). به نظر می‌رسد که ارباب جمشید علاقه‌چندانی به دخالت مستقیم در مسئله مشروطه نداشت و ترجیح می‌داد که جایگاه بالای خود را نزد حکومت به طور کامل به خطر نیندازد و از این رو، حاضر به همراهی و مساعدت مالی به مشروطه خواهان در هنگام مهاجرت کبری به بهانه ترس از عین‌الدوله نبود (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷، ج ۳: ۵۰۲-۵۰۳). از سوی دیگر برخی از تجار زرتشتی نیز در آن زمان اسلحه‌هایی را که از انبار مهمات سرقت می‌شدند خریداری می‌کردند و در اختیار مشروطه خواهان قرار می‌دادند (مهر، ۱۳۴۸: ۱۰). همچنین کارمندان تجارت‌خانه‌های جهانیان و جمشیدیان که به داد و ستد با کشورهای خارجی می‌پرداختند، اسلحه و مهمات را در قالب کالاهای تجاری به ایران وارد می‌کردند و در تهران به دست مشروطه خواهان می‌رساندند (اشیدری، ۱۳۵۵: ۲۴۳). در سال‌های پس از پیروزی انقلاب مشروطه نیز روزنامه حبل‌المتین کلکته که از روزنامه‌های طرفدار مشروطه در ایران به شمار می‌آمد، رابطه نزدیکی را با تجار ایرانی مقیم هندوستان ایجاد کرده بود و خدابنده رستم تاجر ایرانی و وکیل شعبه هندوستان تجارت‌خانه جمشیدیان، از حامیان مالی آن به شمار می‌رفت (ترابی فارسانی، ۱۳۸۴: ۲۴۵). به نظر می‌رسد، نقش زرتشتیان در حوادث مربوط به انقلاب مشروطه در همین حد بوده است، که این امر با توجه به فشارهای اجتماعی و اقتصادی که بر روی آنان وجود داشت معقول و منطقی به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

آن‌طور که از بررسی‌های صورت‌گرفته برمی‌آید، حیات اجتماعی و سیاسی زرتشتیان ایران در دوره قاجار با قدرت اقتصادی آنان گره خورده بود. شماری از تجار زرتشتی که به تدریج توانسته بودند با حمایت‌های جامعه پاریسیان هند از جایگاه اقتصادی مناسبی بهره‌مند شوند، با تکیه بر همین جایگاه نفوذ خود را در ساختار سیاسی و اجتماعی کشور افزایش دادند. آنان در مسائل و حوادث سیاسی مانند انقلاب مشروطه به نقش آفرینی پرداختند، اما همواره در تلاش بودند تا با عدم

رویارویی مستقیم با حکومت مرکزی موقعیت و جایگاه سیاسی و اقتصادی خود را متزلزل نکنند. پس از پیروزی انقلاب مشروطه نیز، همچنان برخی از تجار زرتشتی با تکیه بر قدرت اقتصادی بالا و ارتباطات گسترده تجاری با پارسیان هند، توانستند نقش پررنگی را در مسائل اقتصادی و اجتماعی کشور ایفا کنند. تلاش برخی از آنان برای تأسیس بانک ملی، با وجود شکست پروژه به دلیل مسائل حاشیه‌ای، حکایت از نفوذ بالای این تجار در ساختار اقتصادی کشور در این دوران دارد. هرچند که دست آخر تجارت‌خانه‌های زرتشتی با وجود تمام ملاحظاتی که داشتند، درگیر مشکلات اقتصادی با بانک‌های استقراضی روس و شاهی انگلستان شدند و همین امر منجر به نابودی اکثریت آنان شد.

کتابنامه

- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شناسه اسناد: ۲۴۰/۸۷۳۵، ۲۴۰/۸۴۷، ۲۹۸/۷۸۳۲، ۲۴/۷۸۴۱، ۲۹۳/۴۸۴۱، ۲۴/۳۷۰۴، ۲۴/۴۶۴۶، ۲۴/۵۵۰۲، ۲۴/۱۱۹۵، ۲۴/۳۰۶۲، ۳۶۰/۲۹۱۳، ۳۶۰/۵۸۱۸، ۲۹۳/۴۶۴۴، ۳۶۰/۱۵۶۴، ۳۶۰/۶۷۵، ۲۴/۵۸۳۸، ۲۴/۳۷۱۵، ۲۴/۹۴۳۱۹، ۲۴۰/۱۵۳۵، ۳۶۰/۶۶، ۳۶۰/۹۴۳۱۹، ۲۹۸/۱۳۰۵۸۵، ۲۴۰/۳۶۷۵۴.
- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه. (۱۳۲۹ ه.ق). شناسه سند: کارتن ۵۴. پرونده ۲۲. برگ ۲-۳.
- ا.ا. (۱۳۵۹). «مخارج تحصن در سفارت عثمانی». مجله آینده. سال ۶. ش ۵ و ۶. صص ۴۴۸-۴۵۴.
- اشرف، احمد. (۱۳۵۹). موانع تاریخ رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه. تهران: انتشارات زمینه.
- اشیدری، جهانگیر. (۱۳۵۵). تاریخ پهلوی و زرتشتیان. تهران: انتشارات ماهنامه هوخ.
- امیرخیزی، اسماعیل. (۱۳۳۹). قیام آذربایجان و ستارخان. تبریز: کتاب‌فروشی تهران.
- امینی، تورج. (۱۳۸۰). اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- اولیویه، گیوم آنتوان. (۱۳۷۱). سفرنامه اولیویه. ترجمه محمد طاهر میرزا. تصحیح غلامرضا وره‌رام. تهران: انتشارات اطلاعات.
- بامداد، مهدی. (۱۳۸۴). شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴. خلاصه‌نگاری زیر نظر ذبیح‌الله علیزاده شکوری. تهران: زوار.
- بنجامین، ساموئل گرین ویلر. (۱۳۶۹). ایران و ایرانیان (عصر ناصرالدین شاه). ترجمه محمدحسین کردبچه. تهران: انتشارات جاویدان.
- بهرامی، عبدالله. (۱۳۶۳). خاطرات عبدالله بهرامی از آخر سلطنت ناصرالدین شاه تا اول کودتا. تهران: انتشارات علمی.
- پاتینجر، هنری. (۱۳۸۴). سفرنامه پاتینجر (مسافرت سند و بلوچستان). ترجمه شاهپور گودرزی. تهران: کتاب‌فروشی دهخدا.

- پورداد، ابراهیم. (۱۹۲۵ م / ۱۲۹۵ یزدگردی). *ایران شاه*. بمبئی: انتشارات انجمن زرتشتیان بمبئی.
- پوررستمی، فرامرز. (۱۳۸۷). *انجمن زرتشتیان ایران*، یک سده تلاش و خدمت. تهران: انتشارات فروهر.
- ترابی‌فارسانی، سهیلا. (۱۳۸۴). *تجار، مشروطیت و دولت مدرن*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- تشکری بافقی، علی‌اکبر. (۱۳۸۹ الف). «نهاد صرافی و کارکرد تجارت‌خانه جمشیدیان در دوره قاجار». *مجله تاریخ ایران*. سال ۳. ش ۱. صص ۱-۲۴.
- تشکری بافقی، علی‌اکبر. (۱۳۸۹ ب). «درآمدی بر شرایط اجتماعی و اقتصادی زرتشتیان یزد در دوران قاجاریه (۱۲۱۰-۱۳۴۴ ه.ق)». *فرهنگ*. ش ۵۶. صص ۱۷-۳۸.
- جمال‌زاده، محمدعلی. (۱۳۳۵ ه.ق). *گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران*. برلین: نشر کاوه.
- جهانشاهی، عبدالعلی. (۱۳۳۸). *تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران (۱۳۰۷-۱۳۳۷)*. تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
- حاجی‌اکبری، مزگان. (۱۳۹۴). «واکوی نقش زرتشتیان در اقتصاد دوره قاجاریه با تأکید بر تجارت‌خانه‌های زرتشتی». *تاریخ نو*. سال ۵. ش ۱۱. صص ۳-۲۸.
- خانیکف، نیکولای ولادیمیروویچ. (۱۳۷۵). *سفرنامه خانیکف*. ترجمه اقدس یغمایی و ابوالقاسم بی‌گناه. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- دالمانی، هانری رنه. (۱۳۳۵). *از خراسان تا بختیاری*. ج ۳. ترجمه همایون فره‌وشی. تهران: امیرکبیر.
- دروویل، گاسپار. (۱۳۶۷). *سفر در ایران*. ترجمه منوچهر اعتماد مقدم. تهران: شابويز.
- دستمالچی، اصغر. (۱۳۸۳). *تاریخ روابط ایران و هند*. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- *روزنامه چهره‌نما*. (۱۳۳۵ ه.ق / ۱۹۱۷ م). سال ۱۴. ش ۳۹.
- *روزنامه حبل‌المتین*. (۱۳۴۴ ه.ق / ۱۹۲۵ م). سال ۳۳. ش ۲۳.
- *روزنامه رعد*. (۱۳۳۳ ه.ق / ۱۹۱۵ م). سال ۶. ش ۵۱.
- روش‌شوار، ژولین دو. (۱۳۷۸). *خاطرات سفر در ایران*. ترجمه مه‌ران توکلی. تهران: نشر نی.
- زارع، اردشیر. (بی‌تا). *خاطرات اردشیر زارع*. ج ۲. تهران: آرشو کتابخانه یگانگی.
- سایکس، سرپرسی. (۱۳۳۶). *سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران*. ترجمه حسین سعادت نوری. تهران: انتشارات کتابخانه ابن سینا.
- ستوده، منوچهر. (۱۳۷۱). *جغرافیای تاریخی شمیران*. ج ۱. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات و تحقیقات.
- سفری، محمدعلی. (۱۳۷۰). *مشروطه‌سازان*. تهران: انتشارات علمی.
- شورش هندوستان. (۱۲۷۴ ه.ق / ۱۸۵۷ م). (۱۳۷۲). ترجمه اوانس ماسئیان. به کوشش صفاءالدین تبرائیان. تهران: انتشارات نیلوفر.
- شهردان، رشید. (۱۳۶۳). *تاریخ زرتشتیان، فرزندان زرتشتیان*. تهران: نشر فروهر.
- صفایی، ابراهیم. (۱۳۶۳). *رهبران مشروطه*. ج ۱. تهران: انتشارات جاویدان.
- علیزاده، محمدعلی. (۱۳۸۵). «نقش اقتصادی، سیاسی جامعه زرتشتیان ایران در تحولات دوران مشروطه تا پهلوی اول». *پژوهشنامه تاریخ*. سال ۲. ش ۵. صص ۸۳-۱۰۵.



- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات گستره.
- فلاندن، اوژن. (۲۵۳۶). *سفرنامه اوژن فلاندن*. ترجمه حسین نورصادقی. تهران: انتشارات اشراقی.
- کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۷۹). *مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کمره‌ای، محمد. (۱۳۸۲). *روزنامه خاطرات*. ج ۱. به کوشش محمدجواد مرادی‌نیا. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- ماسهارو، یوشیدا. (۱۳۷۳). *سفرنامه یوشیدا ماسهارو*. ترجمه هاشم رجب‌زاده. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- محبوبی اردکانی، حسین. (۲۵۳۷). *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید*. ج ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مصاحب، غلامحسین. (۱۳۸۱). *دایرةالمعارف فارسی مصاحب*. ج ۱. بخش ۲. تهران: انتشارات سهامی کتاب‌های جیبی.
- ملک‌المورخین، عبدالحسین سپهر. (۱۳۸۵). *مرآت الوقایع مظفری*. تصحیح عبدالحسین نوایی. ج ۲. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- مهر، فرهنگ. (۱۳۴۸). «مشروطیت ایران». *مجله هوخ*. سال ۲۰. ش ۳. صص ۳-۲۴.
- ناظم الاسلام کرمانی، محمد. (۱۳۵۷). *تاریخ بیداری ایرانیان*. به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی. بخش اول. ج ۱. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ناظم الاسلام کرمانی، محمد. (۱۳۵۷). *تاریخ بیداری ایرانیان*. به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی. بخش اول. ج ۲. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ناظم الاسلام کرمانی، محمد. (۱۳۵۷). *تاریخ بیداری ایرانیان*. به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی. بخش اول. ج ۳. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- نامه‌های یوسف معیث السلطنه. (۱۳۹۰). به کوشش معصومه مافی. تهران: نشر تاریخ ایران.
- نائیبان، جلیل؛ علیپور سیلاب، جواد. (۱۳۹۰). «نقش زرتشتیان در مشروطیت ایران»، *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران*. سال ۳. ش ۹. صص ۱۵۱-۱۷۷.
- نمیرانیان، کتایون. (۱۳۸۶). *زرتشتیان ایران پس از اسلام تا امروز*. تهران: مرکز کرمان‌شناسی.
- وقایع‌الافتاحیه: مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از ۱۲۹۱-۱۳۲۲ هـ.ق. (۱۳۸۳). به کوشش سعیدی سیرجانی. تهران: آسیم.
- ویلسن، آرنولد تالبوت. (۱۳۴۷). *سفرنامه ویلسن یا تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران*. ترجمه و تلخیص حسین سعادت نوری. تهران: انتشارات وحید.
- هینل، ژهن. (۱۳۸۶). «پارسیان بمبئی- دولت بریتانیا». *ترجمه رشید شهردان*. *مجله فروهر*. سال ۴۲. ش ۴۲۵.